

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

مهدیا! حرمانمان را در عصر غیبت و پنهانی تو چگونه جبران کنیم؟ کجا تو را بیابیم؟ با کدام دعا تو را خواهیم یافت تا رویم و آن دعا بیاموزیم؟ منجیا! در حیرت و سرگشتگی نبود تو، شیطان نفس و اندیشه‌های رنگارنگ، بر ما چیره شده و اسیر پلیدی نفسمان نموده است. مهربانا!

از ازل بست دلم با سر زلفت پیوند تا ابد سرنکشد و ز سر پیمان نرود

پس تو و نیاکانت را از ژرفای وجودمان دوست داریم و در جست‌وجوی فراهم آوردن شادی توایم و با تمام دل سیاهیمان، آرزو می‌کنیم خداوند ظهورت را پیش اندازد و بر ما احسان کند و از حیرتمان به درآورد و از اسارت دنیای دون، نجاتمان بخشد. پدر! فقدان نیای تو و پنهانی تو را به خدا شکوه می‌بریم و از ناشناختن‌مان تو را و نیاکان تو را، ناآسوده‌ایم و این سرود را - ولو در زبان - ترنم می‌کنیم که: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ... اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ... اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ» آفتابا! چندی است از مهر تو و تابش خورشید وجودت از پس پرده‌ی غیبت، به یادگار گران‌سنگ نیایت رو آورده‌ایم؛ با این گمان که ما را به معرفت تو برساند. گرچه توان غواصی در ژرفای آن را نداریم؛ اما از خداوند می‌خواهیم و دست لطف تو را می‌طلبیم.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

عزیزا! به گوش جان شنیده‌ایم که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «پس بایسته است این سخن_ امامت امیرالمؤمنین علی و اولاد او علیهم‌السلام_ را حاضران به غایبان و فرزندان به فرزندان، تا برپایی روز رستاخیز برسانند.» اکنون چگونه فرمانت بریم؟ از چه راه، رهسپار فرمان‌بری‌ات شویم؟ چه کنیم؟ چه بگوییم؟ تو خود یاری‌مان ده! راهمان بیاموز! دستمان گیر تا راه یابیم و کوشش کنیم و این همه کمالات و برتری‌های پدرت را بشناسیم و به دیگران نیز بیاموزیم! یادمان نمی‌رود که در کنار برکه‌ی حُم، پیامبرمان صلی‌الله‌علیه‌وآله از مردمان برای امارت و سرپرستی امیرمؤمنان و فرزندان او علیهم‌السلام بیعت گرفتند و بر این پیمان، تا برپایی رستاخیز تأکید کردند.

اکنون سر به آستان ارادت تو می‌ساییم و با تمامی کاستی‌هایمان، به درگاہت عذر می‌آوریم که: تو کریمی از خاندان کریمان و مأمور به میهمانی و پناه‌دهی بیچارگان! اکنون ما را ببخش! دستمان گیر! راهمان بر! آفتاب لطفت را بر ما بتاب و از ما روی مگردان و بر دعای ما که: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» آمین بگو.

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ، مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ، وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ، فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ، وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا...».

ما را به جز تو در همه عالم عزیز نیست گر رد کنی بضاعت مُزجات و قبول

پنج‌شنبه ۱۵ تیر ۹۱

مطابق با ۱۵ شعبان ۱۴۳۳

سید حسین حسینی خطابه‌ی غدیر

امروز برخی از مدعیان روشن فکری دینی، موضوع مهم و اعتقادی خلافت و امامت را در حدّ مسأله‌ای تاریخی قلمداد می‌کنند و بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آن را سبب اختلاف بین مسلمانان تلقی می‌کنند؛ اما در این موضوع، روی سخن آنان با شیعه است و به سایر فرق مسلمین کاری ندارند و دانسته یا ندانسته (البته عمدتاً دانسته و به عمد) از دیگر فرقه‌ها جانب‌داری می‌کنند. در بررسی نظریه‌ی آنان به چند نکته اشاره کرده، جایگاه مهم و اعتقادی امامت را در بیان قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام بازشناسی می‌کنیم.

نکته‌ی ۱- این گروه معمولاً کسانی‌اند که پیامبری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در ارتباط با جهان غیب و عالم دیگر نمی‌دانند و تمامی مسایل مذهب را به نحوی توجیه مادی و زمینی می‌کنند؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را - که پیام‌آور الاهی است - مصلح و نابغه‌ای بیش نمی‌دانند و در احکام دین، باورش‌ان این است که باید با ملاک‌های مادی و زمینی سازگار باشد. از این روی، تاریخی دانستن امامت و کم‌اهمیت جلوه دادن آن، مربوط به تفکرات چنین افرادی است که دین‌داران به خاطر الاهی و غیبی و آسمانی دانستن دین - این تفکرات را نمی‌پذیرند؛ اما این‌که گمان می‌کنند طرح چنین مسایلی موجب اختلاف میان مسلمین است، در پاسخ آنان می‌گوییم: اگر به راستی در پیشنهاد خود خیرخواهید، مسلمانان را وادار کنید که با پذیرش حقیقت بر محور آن چرخیده، وحدت را بر پایه‌ی حق و حقیقت ایجاد کنند؛ نه این‌که به بهانه‌ی ایجاد وحدت، بسیاری از محورهای آن را زیر پا بگذارند و وحدتی موقت و زودگذر به دست آورند.

نکته‌ی ۲- توجه به مفهوم و جایگاه امامت، نشانگر اعتقادی بودن این اصل است. در قرآن کریم، درباره‌ی ابراهیم خلیل علیه السلام و امامت او می‌خوانیم: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمٰمًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّٰلِمِیْنَ». (بقره/۱۲۴) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را به حوادثی آزمود و او از عهده‌ی تمامی آن‌ها به خوبی برآمد، خداوند فرمود: اینک تو را برای مردمان «امام» قرار دادم. ابراهیم پرسید: و از فرزندان من؟ خداوند فرمود: پیمان امامت من، ستمکاران را نخواهد رسید. بنابراین امامت عهده‌ی از سوی پروردگار و مقامی بس بلند است که عصمت، لازمه‌ی آن است و از این روی، به جعل و نصب خداوند تحقق می‌پذیرد. و از سوی دیگر، تعبیرات حدیث مشهور ثقلین به‌گونه‌ای است که نشان می‌دهد امام به ضمیمه‌ی قرآن کریم، جانشین به حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در تمامی ابعاد نبوت و رسالت است (به جز نبوت تشریحی در امام) و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و در کنار هم، از آئین اسلام و آموزه‌های نبوت حکایت می‌کنند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «اِنِّیْ مُخَلَّفٌ فِیْكُمْ الثَّقَلِیْنِ کِتَابَ اللّٰهِ وَ عِتْرَتِیْ اَهْلَ بَیْتِیْ لَنْ یَفْتَرِقَا حَتّٰی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ اَنْظُرُوْا کَیْفَ تَخْلُفُوْنِیْ فِیْهِمَا». (تحف العقول/۴۲۶) واژه‌ی «مُخَلَّفٌ» نشانگر این است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله باید از سوی خداوند، جانشین معرفی کند همان‌گونه که خود رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از سوی خداوند متعال برگزیده شده است و از ضمیمه‌ی قرآن به اهل بیت علیهم السلام برمی‌آید که جانشین او تنها جنبه‌ی حاکمیت سیاسی و زمامداری اجتماعی ندارد؛ بلکه در تمامی شؤون و ابعاد شخصیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله جانشینی دارد، به جز نبوت تشریحی و قانون‌آوری که خود بارها تذکر فرمود: «اَنْتَ مِنْنِیْ بِمَنْزِلَةِ هٰرُوْنَ مِنْ مُوسٰی اِلَّا اَنْهُ لَا نَبِیَّ بَعْدِی». (کافی ۸/ ۱۰۷) (ای علی!) تو نسبت به من جایگاه هارون را داری نسبت به موسی؛ به جز این که پس از من، پیامبری نخواهد بود (و پس از موسی پیامبری ادامه یافت). در حدیث حضرت کاظم علیه‌السلام آمده: «الْاِمَامَةُ هِيَ النُّوْرُ». (کافی ۱/ ۱۹۶) و نیز در روایت مشهور حضرت رضا علیه‌السلام می‌خوانیم: «اِنَّ الْاِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْاَنْبِیَاءِ وَ اِرْثُ الْاَوْصِیَاءِ اِنَّ الْاِمَامَةَ خِلَافَةُ اللّٰهِ وَ خِلَافَةُ الرَّسُوْلِ صَلٰی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ مَقَامُ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ مِیْرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اِنَّ الْاِمَامَةَ زِمَامُ الدِّیْنِ وَ نِیْظَامُ الْمُسْلِمِیْنَ وَ صِلَاحُ الدُّنْیَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِیْنَ اِنَّ الْاِمَامَةَ اُسُّ الْاِسْلَامِ النَّامِیِّ وَ فَرْعُهُ السَّامِیُّ». (الکافی ۱/ ۲۰۰) خلاصه‌ی مضمون عبارت این‌که: امامت پایه‌ی بالنده‌ی اسلام و شاخه‌ی بلند آن است. امامت از جهت منزلت و شأن و موقعیت و ژرفایی، برتر از دسترسی خرده‌های مردمان است که بتوانند با رأی و انتخاب خود امامی برپا کنند. از این روی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله امام و امامت را جای‌نشینی همه جانبه‌ی خود، معرفی کرده و آن را دارای مقامات والا دانست و در طول بیست و اندی سال پیامبری خود، مقام امامت و برتری‌های علی علیه‌السلام را گوش‌زد فرمود و شؤون مهم او را، هم‌چون سرپرستی و

ولایت در تکوین و تشریح، ابلاغ متن دین، تبیین و تفسیر قرآن و احکام، زمامداری و حکومت جامعه، علم غیب، عصمت، شجاعت و پهلوانی و... تذکر فرمود.

نکته ۳- اهمیت مسأله‌ی امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا بدانجاست که در قرآن کریم، آیات فراوان بر آن نزول یافته، از جمله:

(۱) «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵) «سرپرست و رهبر شما تنها خداوند است و پیامبر او و آنان که ایمان آورده، نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند». تمامی تفاسیر شیعه و اکثر تفاسیر اهل تسنن، اتفاق دارند بر این که آیه‌ی کریمه درباره‌ی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است، آن هنگام که در نماز و در حال رکوع زکات دادند. (مجمع البیان ۳/ ۳۲۵)

(۲) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) «ای ایمانیان! از خدا اطاعت کنید و فرمان رسول و صاحبان امر را گردن نهید». طبق تفاسیر، اولی الامر، امامان معصوم علیهم السلام می‌باشند. (مجمع البیان ۳/ ۱۰۰)

(۳) «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَنْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضَيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳) «امروز دین شما را کامل و نعمت را بر شما تمام کردم و خشنودم که اسلام دین شما باشد». طبق تفاسیر، این آیه مربوط به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌باشد. (تفسیر قمی ۱/ ۱۶۲) می‌بینیم که آیات فوق و ده‌ها آیه‌ی دیگر - با ملاحظه‌ی شأن نزول آن‌ها - درباره‌ی امامت و ولایت و سرپرستی امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

نکته ۴- زمینه‌های پیشین وصایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام

نایب و منوب عنده بایستی با یکدیگر سنخیت کامل و شباهت تام داشته باشند. از این روی، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از پیش او را در بستر مهر و محبت و در فضای جان و خانه‌ی خویش تربیت کرد و با روحيات و اخلاقیات خویش مأنوس نمود. در این زمینه خود علی علیه‌السلام در خطبه‌ی قاصعه چنین حکایت می‌کند: (نهج البلاغه فیض ۷۷۶/۴ خطبه‌ی ۲۳۴) «... شما می‌دانید که مرا نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چه مقام است و خویشاوندی‌ام با او در چه نسبت است؟ آن‌گاه که کودک بودم، مرا در دامن خود می‌نهاد و بر سینه‌ی خود می‌فشرد و در بستر خود می‌خوابانید و تنم را به تن خویش می‌سود و بوی خوش خود را به من می‌بوینید و گاه چیزی را می‌جوید، سپس آن را به من می‌خورانید. از من دروغی در گفتار ندید و خطایی در کردار نیافت... و من در پی او بودم - در سفر و حضر - چنان که شتر بچه در پی مادر. هر روز از اخلاق خود، برای من

نشانه‌ای برپا می‌داشت و مرا به پیروی آن می‌گماشت. او هر سال در غار حرا خلوت می‌گزید و من او را می‌دیدم و کسی جز من، او را نمی‌دید. آن هنگام جز خانه‌ای که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و خدیجه علیها السلام در آن بودند، در هیچ خانه‌ای مُسلمانی راه نیافته بود و من سوّمین آنان بودم. نور وحی نبوّت را می‌دیدم و بوی آن را می‌شنودم و هنگامی که وحی بر او فرود آمد، ناله‌ی شیطان را شنیدم و گفتم: ای فرستاده‌ی خدا! این آوا چیست؟ فرمود: این شیطان است و از آن که او را پپرستند نومید شده است. همانا تو می‌شنوی آن چه را من می‌شنوم؛ می‌بینی آن چه را من می‌بینم؛ جز این که تو پیامبر نیستی؛ بلکه وزیری و به راه خیر می‌روی.» و نیز می‌بینیم در هنگام نزول آیه‌ی «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، (شعرا / ۲۱۴) «ای پیامبر! خویشان نزدیک را بترسان»، پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله سه بار اعلام فرمود که: شما عشیره و خویشاوندان من هستید و همانا خداوند پیامبری بر نیانگیخت مگر آن که از خاندان او، برادر و وزیر و وارث و جانشین برایش برپا کرد. پس کدام‌تان با من بیعت می‌کند که برادر و وارث و وصی من باشد و نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی گردد؟ گرچه پس از من پیامبری نخواهد بود؛ پس خویشان سکوت کردند. آن‌گاه فرمود: یکی از شما به پاخیزد و الا از غیر شما خواهد بود و شما پشیمان خواهید شد. در این جا علی علیه‌السلام به پا خاست. حضرت فرمود: نزدیک آی. پس نزدیک آمد و او را مورد مهر ویژه‌ی خود قرار داد و فرمود: «او را از حکمت و دانش سیراب نمودم». (بحار ۱۸ / ۱۶۳) این رویدادها و صدها مانند آن در طول پیامبری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام نشان مراقبت و تربیت اوست برای احراز مقام الهی امامت و خلافت.

نکته‌ی ۵- مشهورترین و متقن‌ترین براهین حَقَانِیَّت و امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام واقعی غدیر است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله - پس از ادای مراسم حج در سفر تاریخی حجّة الوداع - دست علی علیه‌السلام را گرفته و به مردمان معرفی نمود. آیه‌ی کریمه‌ی زیر شاهد آن است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائده / ۶۷) «ای پیامبر! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، برسان وگرنه رسالت او را انجام نداده‌ای و البته خداوند، تو را از گزند مردمان نگاه می‌دارد». احادیث متواتر واقعی غدیر و متن خطبه‌ی آن، بیانگر اهمیّت فوق‌العاده و اصالت اعتقادی آن است، به علاوه‌ی نکات برجسته‌ی ذیل:

۱) اعلان حجّة الوداع و آخرین سال عمر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله.

۲) دعوت برای انجام مناسک حج از مسلمانان مدینه و تمامی مناطق مسلمان‌نشین.

۳) حرکت جمعیت يك صد و بیست هزار نفری از مدینه و دیگر مناطق برای انجام مناسک حج.

۴) احضار امیرالمؤمنین علی علیه السلام و همراهان او از یمن، برای شرکت در مراسم حجّة الوداع.

۵) ایراد سخنرانی و خطبه در مینا و مسجد خیف و آماده سازی مردم برای واقعه ی غدیر خم، توسط پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله.

۶) اقامت در کنار جاده (محلّ غدیرخم) و بازگرداندن پیشرفتگان و توقف پس آمدگان.

۷) توقف سه روزه برای انجام مراسم اعلان ولایت و سرپرستی امیرالمؤمنین علی علیه السلام از روز غدیر (دوشنبه ۱۸ ذی الحجة) تا چهارشنبه ۲۰ ذی الحجة.

۸) سخنرانی مفصل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تأکید بر امامت و خلافت و وصایت علی علیه السلام و اولاد او تا امام عصر، قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه.

۹) درخواست بیعت توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله از مردم؛ بیعتی با زبان و دست از حاضران و اقرارگرفتن از تمامی آنان.

۱۰) بیعت گرفتن از مردان توسط دست دادن و از زنان به وسیله ی دست زدن در نشت آب.

۱۱) بیعت گرفتن برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی و امام حسن و امام حسین و سایر امامان علیهم السلام.

۱۲) درخواست تبریک گویی از مردم به رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مناسبت مقام امامت و امارت و خلافت علی علیه السلام.

۱۳) فرمان ابدی و جاودانه برای تمامی مسلمانان اعصار و قرن ها که بایستی این خبر را حاضران به غایبان و فرزندان به فرزندان برسانند. «فَلْيُبَلِّغِ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۱۴) اعلان این که ابلاغ داستان غدیر، برترین و بالاترین نقطه ی امر به معروف است: «أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَ تَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ...».

۱۵) معرفی شخص علی علیه السلام در بالای منبر در تمامی مدّت خطابه و ارائه و نشان دادن ایشان به مردم.

۱۶) شمارش فضائل و مناقب و ابعاد شخصیت علی علیه السلام با حدود دویست فضیلت.

۱۷) سفارش بیعت و سلام بر علی علیه السلام با لقب امیرالمؤمنین.

۱۸) تأکید بر این لقب و اختصاصی کردن آن در مورد شخص علی علیه السلام.

۱۹) هم تراز کردن قرآن و علی علیه السلام و سایر امامان علیهم السلام و این که آن دو از هم جدایی پذیر نیستند.

۲۰) ملاک قرار دادن مهر و خشم علی علیه السلام برای ایمان و کفر افراد.

نکته‌های فوق و ده‌ها نکته‌ی دیگر، نشان از اهمیت غدیر در معرفتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان جانشین و امام پس از رسول الله صلی الله علیه و آله است.

نکته‌ی ۶- از عصر حادثه‌ی غدیر تاکنون، مسلمانان و به تبع آنان دیگران به این واقعه‌ی عظیم و مسأله‌ی امامت و خلافت، به دید يك اصل اعتقادی نگریسته و آن را در کتب عقاید نقل و بررسی کرده‌اند؛ گرچه در کتب تاریخی نیز آورده و از نظر حدیثی، در کتب حدیث و از جهت معانی لغات، در کتب لغت و از لحاظ نزول آیات مربوطه، در تفاسیر و از جهت ادبیات غدیر، در کتب ادبی نیز آورده‌اند. در این باره به مدارك زیر دقت و توجه می‌کنیم:

از مورّخان: بلاذری (م ۲۷۹) در «انساب الاشراف» - ابن قتیبه (م ۲۷۶) در «المعارف» و «الامامة والسياسة» - طبری (م ۳۱۰) در کتابی مستقل در مورد حدیث غدیر - خطیب بغدادی (م ۴۶۳) در تاریخ خود.

از محدّثان: محمد ابن ادریس شافعی (م ۲۰۴) به نقل نهایی ابن اثیر - احمد بن حنبل (م ۲۴۱) در «مسند و مناقب» - ابن ماجه (م ۲۷۳) در «سنن» - ترمذی (م ۲۷۶) در «صحیح».

از مفسران: طبری (م ۳۱۰) در تفسیر خود - ثعلبی (م ۴۲۷ / ۳۷) در تفسیر خود - واحدی (م ۴۶۸) در «اسباب النزول» - فخر رازی (م ۶۰۶) در تفسیر خود.

از متکلمان: قاضی ابوبکر باقلانی بصری (م ۴۰۳) در «التمهید» - قاضی عبدالرحمان ایجی شافعی (م ۷۵۶) در «المواقف» - شریف جرجانی (م ۸۱۶) در «شرح المواقف» - قوشچی (م ۸۷۹) در «شرح تجرید».

از لغت شناسان و صاحبان معاجم در ذیل کلمات: مولی، خم، غدیر، ولیّ و... - ابن درید (م ۳۲۱) در «جمهره ج ۱/۷۱» - ابن اثیر در «نهایه» (الغدیر ج ۸ - ۱/ ۶). این نوع نقل‌ها نشان دهنده‌ی این است که مسأله‌ی امامت در نظر آنان صرفاً مسأله‌ای تاریخی نیست.

نکته‌ی ۷- پاسخ به دو پرسش

پرسش الف: اگر داستان غدیر این اندازه در میان شیعه و سنی مشهور است، پس به چه دلیل اهل تسنن، ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نمی‌پذیرند؟

پاسخ:

۱) ما نیز از حق جویان اهل تسنن، این پرسش را داریم که با وجود این همه براهین بر امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چگونه است که آنان در برابر حق تسلیم نمی‌شوند؟ چرا با خود حدیث نفس نمی‌کنند که راه حق را طی کرده و بر فرمان خداوند گردن گذارند؟

۲) این چنین پرسشی در مراحل پیش از امامت نیز جاری است که به چه علت، غیر مسلمانان با وجود این همه دلایل حقیقت اسلام، آن را نپذیرفتند؟ نیز چه طور است که منکران خدا با وجود روشن‌ترین براهین بر وجود آفریدگار جهان هستی، او را منکر شده‌اند؟

پاسخ این‌گونه پرسش‌ها این است که بشر می‌تواند دچار خودخواهی و تعصب و کوردلی شده، از دیدن حقایق سر باز زند و به تقلید از گذشتگان پرداخته، در راه هوای نفس گام بردارد؛ البته پذیرفتن حق هم چندان ساده نیست و التزام و مقید بودن به لوازم حق، در عمل بسی دشوارتر می‌نماید؛ مخصوصاً اگر لازمه‌ی پذیرش حق، دست برداشتن از تعلقات بسیاری باشد.

۳) به خاطر شهرت خطابه‌ی غدیر و به ویژه جمله‌ی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...»، آنان که نتوانسته‌اند اصل حدیث را انکار کنند، در صدد تأویل و برگرداندن الفاظ از معانی خود بر آمده، مقصود و معنی را دگرگون کرده‌اند؛ مثلاً کلمه‌ی «مولى» را که در این خطابه - به دلیل قراین قطعی - به معنای سرپرست و اولی به تصرف است به دوست و محب و... معنی کرده‌اند.

پرسش ب: آیا حدیث و خطبه‌ی غدیر گفتاری کوتاه بوده یا يك سخنرانی مفصل؟

پاسخ: آن چه اهل تسنن در کتب خود به تواتر آورده‌اند، دو مورد است: یکی اصل حدیث غدیر که کوتاه و مختصر نقل شده و طولانی‌ترین آن در الغدیر آمده است (الغدیر ۱/ ۱۰-۱۱) و دیگر این که در بیشتر احادیث و نقل‌های اهل سنت می‌بینیم که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ایراد سخنرانی کرده‌اند و با آن شرایط بایستی به تفصیل سخن گفته باشند:

۱- زید بن ارقم می‌گوید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز غدیر خم ایراد خطابه کرده و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...» (تاریخ دمشق ۲۱۷/۴۲)

۲- حذیفه بن اسید و عمر بن ذی‌مر و زید بن ارقم و... گویند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز غدیر ایراد خطبه کرده و فرمود: . . . (المعجم الكبير ۳ / ۱۷۹) می‌بینیم در این نقل‌ها و صدها نقل دیگر که به خاطر اختصار از آوردن آن‌ها چشم پوشیدیم، جمله‌ی «خطب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله» و «خطبنا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله» و امثال آن‌ها را آورده‌اند که به معنای نوعی سخنرانی است که در ابتدا با حمد و ثنای الهی آغاز می‌شود و جنبه‌ی تفصیلی دارد و با حدیث کوتاه (آن هم در آن شرایط و با آن مقدمات ویژه و استثنایی) سازگاری ندارد.

نکته‌ی ۸- استدلال به حدیث غدیر

از دیگر پرسش‌ها این است: چرا امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام برای اثبات حقانیت خویش به خطابه‌ی غدیر استدلال نکرده‌اند؟

پاسخ: آن حضرت در موارد متعدّد و در اعتراض به غصب خلافت و اثبات حقانیت خویش به این خطابه استدلال فرموده‌اند که به نحو اختصار چند مورد را یادآور می‌شویم: (الغدیر ۱ / ۱۵۹ به بعد)

(۱) احتجاج حضرت علی علیه‌السلام در روز شورا سال ۲۳ هجری:

ابوالطفیل عامر بن وائله گوید: در روز شورا با علی علیه‌السلام دم در خانه بودم؛ شنیدم به مردم گفت: شما را به خدا سوگند، آیا در میان شما کسی هست که پیش از من به یگانگی، خدا را پرستش کرده؟ گفتند: خدا شاهد است که نه... شما را به خدا سوگند، آیا در میان شما کسی هست که پیامبر خدا دربارهی او مانند این جمله را گفته باشد که: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...»؟ گفتند: خداوند گواه است که نه ...

(۲) احتجاج او در ایام حکومت عثمان:

سلیم تابعی گوید: در ایام حکومت عثمان در مسجد حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بودم. عده‌ای را دیدم که دربارهی علم و عفت گفت و گو می‌کردند. سخن از برتری قریش پیش آمد و این که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «امامان قریشی‌اند.» جمعیت حاضر بیش از دویست نفر بودند که در میان آنان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، سعد بن ابی‌وقاص، عبدالرحمان بن عوف، طلحه، زبیر، مقداد، هاشم بن عتبّه، ابن‌عمر، حسن،

حسین، ابن عباس، محمد بن ابی بکر و... بودند. عثمان در خانه اش بود و از گفت و گوها بی خبر و امیر المؤمنین علی و اهل بیت او علیهم السلام ساکت بودند. مردمان رو به علی علیه السلام کرده، گفتند: چرا سخن نمی گویی؟ تا بدان جا که حضرت فرمودند: ... پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم مرا برپا نمود و خطبه ایراد کرد... و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» (الغدیر ۱/ ۱۶۵)

۳) استدلال امیر مؤمنان علیه السلام در روز رجب (در سال ۳۵ هجری):

هنگامی که آن حضرت شنید سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در افضلیت علی علیه السلام بر دیگران مورد گفت و گو و اِتِّهَام است، در رجبی کوفه (محلّ وسیع اجتماعات) به حدیث غدیر استشهاد فرمود که تفصیل آن را در کتاب گران سنگ «الغدیر» می بینیم.

نکته ۹- پرسش: آیا امامان دیگر در احتجاجات خود به خطابه‌ی غدیر و به ویژه به متن مفصل حاضر استدلال فرموده‌اند؟

پاسخ:

الف: آری! امامان و نیز اصحاب آنان، مکرّر و متعدّد به حدیث غدیر استدلال فرموده و داستان غدیر را مورد نظر قرار داده‌اند که در این باره به کتاب «الغدیر»، (الغدیر ۱/ ۱۵۹- ۱۹۷) «خطابه‌ی غدیر در آینه‌ی اسناد» (صفحه ۸۵) و «اسرار غدیر» (صفحه ۲۶۲ تا ۲۷۲) مراجعه کنید. در نکته‌ی پیشین به عنوان شاهد، مناشدات امیر المؤمنین علی علیه السلام را آوردیم و سایر امامان نیز به بخشی از حدیث غدیر استدلال فرموده‌اند؛ مثلاً حضرت زهرا علیها السلام فرموده: «آیا فراموش کردید گفتار رسول خدا را که در روز غدیر خم فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» و آن که فرمود: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى». (الغدیر ۱/ ۱۹۶) حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در هنگام صلح با معاویه ایستاد و خطابه‌ای ایراد کرد و در ضمن آن فرمود: «مردمان شنیدند هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله دست پدرم را در غدیر خم گرفت و اعلام فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ...» سپس فرمان داد که شاهدان به غایبان برسانند.» (الغدیر ۱/ ۱۹۷) و نیز امام حسین علیه السلام يك سال پیش از واقعه‌ی عاشورا و مرگ معاویه در مینا در موسم حج که بیش از هفت صد نفر از مردان و زنان بنی‌هاشم و انصار و عمدتاً از تابعین و حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، ایستاد و ایراد خطبه فرمود و ستایش خداوند نمود و از جمله گفت: «به خدا سوگندتان می‌دهم، آیا می‌دانید پیامبر صلی الله علیه و آله علی را در روز غدیر معرفی کرد و اعلام ولایت و سرپرستی او را فرمود و افزود که این خبر را شاهدان به غایبان برسانند؟» حاضران در

مینا گفتند: قسم به خدا، خدا شاهد است، آری. (اسرار غدیر / صفحه ۲۷۴ به بعد) و نیز حضرات سجّاد، باقر و سایر ائمه علیهم السلام نیز در موارد گوناگون به حدیث غدیر و جملاتی از آن استدلال فرموده‌اند.

ب: این خطابه‌ی مفصل از زبان امام باقر علیه‌السلام نقل شده، به اضافه‌ی اصل داستان غدیر خُم که به دو سند از کتب «احتجاج طبرسی» و «الیقین سیّدین طاووس» و «روضه الواعظین ابن‌فتّال نیشابوری» و «نزهة الکرام» نقل شده است و جالب این‌که متن خطابه‌ی حذیفه‌بن یمان و زیدبن ارقم که هر دو در غدیر حضور داشتند، با متن نقل شده از حضرت باقر علیه‌السلام بسیار نزدیک است و با این تفصیل خطابه، موارد اختلاف نسبت به متن، اندک به نظر می‌رسد.

نکته‌ی ۱۰- پرسش: چرا کتب پیش از «احتجاج» و «روضه الواعظین» (قرن پنجم هجری) این متن را نقل نکرده‌اند؟ مخصوصاً افرادی مانند کلینی و شیخ مفید و... .

پاسخ:

الف: نقل نکردن عده‌ای حدیثی را، دلیل ضعف آن نیست؛ چراکه ملاک صحّت، اتّصال سلسله‌ی سند حدیث تا معصوم علیه‌السلام می‌باشد و این مسأله در «خطابه‌ی غدیر» حاصل است؛ به‌خصوص که روایت حذیفه و زیدبن ارقم در اکثر متن، با حدیث حضرت باقر علیه‌السلام تطابق دارد.

ب: دانشمندان متقدّم، به برخی از احادیث دست نیافته‌اند؛ ولی متأخّران در اثر جست‌وجو و امکانات بیشتر آن‌ها را پیدا کرده‌اند.

ج: مقداری از احادیث به خاطر تقیّه و شرایط سخت شیعه، توسط گروهی از محدثان نقل نشده و آنان در شرایط سخت و در میان خلفای جور به تثبیت اصل مطلب پرداخته‌اند. دانشمندانی چون کلینی، مفید و... که در بغداد در میان مخالفان زندگی می‌کردند و نقل احادیث مفصل و صریح، مشکل ایجاد می‌کرده است.

د: دانشمندان شیعه چه بسیار کتاب‌ها تألیف نموده‌اند که به مرور زمان دست‌خوش فقدان و... شده است و از آن جمله ثقة الاسلام کلینی (م ۳۲۹) کتابی درباره‌ی غدیر داشته است که شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «الذریعة» آن را نام برده است.

نکته‌ی ۱۱- اصل متن خطابه، به صورت مفصل در کتب شیعه و جملات مختلفی از آن در مدارک سنّی آمده است. در کتب شیعه: روضة الواعظین: ابن‌فتّال نیشابوری (قرن پنجم) - الاحتجاج: شیخ طبرسی (قرن پنجم) - الیقین: سیّدابن طاووس (قرن هفتم) - نزهة الکرام: محمّدبن حسین رازی (قرن هفتم) - الاقبال: سیّدابن طاووس (قرن هفتم) -

الصراط المستقیم: علی بن یونس بیاضی (قرن نهم) - نهج الایمان: علی بن حسین بن جبر (قرن هفتم). در کتب فوق، روایت از طریق و سلسله سند آمده که به حضرت امام باقر علیه السلام و حذیفه بن یمان و زید بن ارقم منتهی می‌شود. تفصیل بیشتر را در کتاب «خطابه‌ی غدیر در آینه‌ی اسناد» می‌بینیم. (خطابه‌ی غدیر در آینه اسناد / ۸۵ - ۸۶)

در کتب اهل تسنن، اصل واقعه‌ی غدیر در نوشته‌های اختصاصی و غیر اختصاصی آمده است. برای یافتن فهرست آن‌ها به «الغدیر / ج ۱» مراجعه می‌کنیم و برای به دست آوردن راویان حدیث با حروف الفبایی به «الغدیر / ج ۱ / ص ۱۵۱ - ۱۴» و برای اطلاع از مؤلفان به «الغدیر / ج ۱ / ص ۱۵۸ - ۱۵۲» نگاه کنید؛ اما در مورد متن حاضر مفصل، سنن گرچه این متن را نقل نکرده‌اند، لیکن مفردات و جملات آن را در کتب خود آورده‌اند. کتاب شریف «نور الامیر» خطابه را به صد بخش تقسیم نموده و مدارک هر بخشی را از کتب اهل سنت به تفصیل آورده است.

نکته‌ی ۱۲- در متن خطابه‌ی غدیر، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با دو جمله‌ی استثنایی هشدار داده‌اند که گذشته از دیگر ویژگی‌های اختصاصی این سخنرانی، بی‌سابقه است. یکی جمله‌ی «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» «پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و فرزندان اران به فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند» و دیگری جمله‌ی: «أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْهَوْا إِلَى قَوْلِي وَ تَبَلَّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَ تَنْهَوْهُ عَن مَخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مِنِّي» «و بدانید قلّه‌ی بلند امر به معروف این است که به گفته‌ی من _درباره‌ی امام_ برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری با سخنان من بازدارید. همانا سخن من، فرمان خدا و فرمان من است.»

با این تأکید و اعلام فرمان جهانی برای ابلاغ محتوای خطابه‌ی غدیر، بر مسلمانان خداپرست و ایمانیان مخلص ضروری می‌نماید که در راه تبلیغ و فرهنگ سازی این خطابه‌ی شریف، تلاش پی‌گیر فرمایند.

موارد زیر را خاضعانه پیشنهاد می‌کنیم:

(۱) تشویق جوانان به حفظ متن خطابه و اهدای جوایز - به‌ویژه هزینه‌ی سفر کربلا برای زیارت حضرت امام حسین علیه‌السلام - و جوایز نفیس برای حفظ بخش‌های آن.

(۲) خواندن متن خطابه و ترجمه‌ی آن در محافل دینی ولو مقداری از آن.

(۳) قرائت بخشی از خطابه در مجالس عقد، برای رساندن پیام رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله و ابلاغ به نسل‌های آینده.

۴) قرار دادن آن در مهریه‌ها در کنار قرآن به عنوان لبیک‌گویی به «حدیث ثقلین» رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله.

۵) نشر و اهدای کتب مربوط به خطابه‌ی غدیر.

۶) تابلو کردن جملات خطابه بر روی اشیای نفیس.

۷) تدریس خطابه‌ی غدیر در مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیّه.

۸) ارائه‌ی خطابه به عنوان متن مورد تحقیق در تیز لیسانس و فوق‌لیسانس و دکترا در رشته‌های مربوطه.

۹) سخنرانی توسط سخنرانان محترم و اساتید در محتوا و مطالب اعتقادی آن.

۱۰) ترجمه‌ی خطابه‌ی غدیر به زبان‌های گوناگون و عرضه‌ی آن در سایت‌های مختلف اینترنتی.

۱۱) تهیه‌ی کتب مربوط به خطابه‌ی غدیر و اهدای آن در مجالس عقد و عروسی و ولیمه‌ی حج و

۱۲) معرفی آن به شرکت‌ها و مجتمع‌های تولیدی و تجاری برای اهدا به عنوان عیدی و... به مشتریان و نمایندگان.

۱۳) تهیه‌ی کتاب برای کودکان و نوجوانان از متن خطابه‌ی غدیر.

۱۴) ساختن فیلم و انیمیشن و کلیپ از جملات خطابه‌ی غدیر.

۱۵) مطرح کردن جملات کوتاه آن در مناسبت‌های امامت و ولایت معصومین علیهم السلام.

۱۶) مأخذ قرار دادن متن خطبه برای تحقیقات در موضوعات توحید، نبوت، امامت، مهدویت و

۱۷) معرفی عمومی خطابه‌ی غدیر توسط جوانان.

۱۸) تشویق مردم برای نذر ختم خطابه‌ی غدیر در محافل و نذر مالی برای نشر خطابه برای برآورده شدن حاجات و رفع مشکلات.

۱۹) ساختن و نشر متن خطابه در لوح فشرده، نوار و

۲۰) ساختن سرود، شعر و قطعات ادبی از متن خطابه‌ی غدیر.

۲۱) تعلیم جملات کوتاه به کودکان و تشویق آنان به حفظ و یادگیری.

۲۲) ساختن تابلوهای نقاشی، خط و نقاشی خط از متن و مضمون خطابه.

۲۳) ساختن تئاتر و سرود از متن خطابه‌ی غدیر.

۲۴) مراجعه به سایت خطابه‌ی غدیر جهت اطلاع بیشتر از فعالیت‌های مربوطه:

WWW.KHETABEGHADIR.COM

تا نفس هست راز می‌گوییم روز و شب چون نماز می‌گوییم
نسل در نسل از علی و غدیر باز گفتند و باز می‌گوییم

یادآوری این نکته بایسته است که:

متن عربی خطابه‌ی غدیر چاپ شده در این کتاب، برگرفته از کتاب «اسرار غدیر» نوشته‌ی دانشمند محترم جناب آقای محمّد باقر انصاری بوده و در این کتاب به تحقیقات مبسوط ایشان در ارائه‌ی مآخذ اکتفا شده است.

سید حسین حسینی خطابه‌ی غدیر

نیمه‌ی شعبان ۱۴۳۳



www.khetabeghadir.com